



## باج‌های برجام و نظریه حمایت استراتژیک

■ سید یاسر جبرائیلی

شواهد دربارہ باج‌گیری شرکت‌های غربی از دولت جناب حجت‌الاسلام روحانی بابت امضای برجام توسط دولت‌های‌شان، به حد تواتر رسیده است. اوایل سال جاری میلادی فاش شد «توماس پیکرینگ»، سفیر سابق آمریکا در سرزمین‌های اشغالی، مبالغه قابل توجهی از شرکت هواپیمایی بوئینگ دریافت کرده است تا از طریق برگزاری جلسات استماع در کنگره، نگارش نامه به مقامات بلندپایه آمریکایی و نگارش یادداشت‌های تحلیلی برای رسانه‌ها از جمله روزنامه «واشنگتن پست»، از توافق هسته‌ای با ایران حمایت کند.<sup>(۱)</sup> انعقاد قراردادی به ارزش ۲۵ میلیارد دلار توسط شرکت دولتی ایران ایر با بوئینگ در دوران «پس‌برجام»، فلسفه، مداخله بوئینگ به نفع توافق هسته‌ای را آشکار کرد و به سؤالاتی از این قبیل که اولاً اولویت خرید این مقدار هواپیما برای کشور چیست و ثانیاً اگر موانع خرید هواپیما رفع شده، چرا شرکت‌های خصوصی حسب نیاز اقدام به خرید نکنند و شرکت ورشکسته ایران‌ایر چنین هزینه سنگینی را از جیب مردم انجام دهد، پاسخ گفت. اینکه بخشی از حاکمیت آمریکا به هر دلیلی مخالف این قرارداد هواپیمایی باشد و بتواند جلوی آن را بگیرد، یا بخش دیگر موافق قرارداد بوده و موفق شود آن را به انجام برساند، در اینجا اهمیت ندارد. آنچه مهم است اینکه چنین سناریویی پیاده شده، بوئینگ برای برجام هزینه کرده، سودش را در فروش ۲۵ میلیارد دلاری هواپیما به دولت ایران پیگیری می‌کند، و مهم‌تر اینکه این سناریو محدود به بوئینگ نبوده است.

تاکنون اخبار متعددی دربارہ یک قرارداد محرمانه نفتی میان وزارت نفت دولت یازدهم و شرکت فرانسوی توتال منتشر شده است. جناب آقای «بیژن زنگنه» وزیر نفت دولت آقای روحانی نیز فروردین‌ماه سال جاری تأیید کردند برای توسعه میدان نفتی آزادگان جنوبی، یک «سند محرمانه» میان «شرکت ملی نفت ایران و توتال فرانسه امضا شده است».<sup>(۲)</sup> درباره این قرارداد با بهره‌برداری و توسعه این میدان نفتی، مربوط به «منافع ملی» وجود دارد که درباره قرارداد با بوئینگ مطرح است. میدان نفتی آزادگان با ظرفیت ۳۵ میلیارد بشکه نفت درجا، یکی از بزرگ‌ترین میدان‌های نفتی جهان و از میادین مشترک کم‌ریسک محسوب می‌شود و «بررسی‌های کارشناسی نشان می‌دهد امکان بهره‌برداری و توسعه این میدان نفتی، نیاز چندانی به فناوری‌های پیشرفته که خارج از توان شرکت‌های داخلی باشد، ندارد».<sup>(۳)</sup> چرا باید شرکت توتال که بابت رشوه‌دهی به مقامات دولت اصلاحات برای پروژه‌های پارس جنوبی محکوم شده و ایران را در توسعه میدان سبیری A و E و توسعه این میدان نفتی، هنگامی وارد کرده است، مجدداً طرف قرارداد دولت یازدهم قرار گیرد؟ چرا باید با این شرکت فرانسوی که «لوران فابیوس» وزیر خارجه این کشور در مذاکرات هسته‌ای سنگ‌اندازی می‌کرد، قراردادی اینچنین بسته شود؟ آقای «سیدمهدی حسینی» رئیس کمیته بازرگاری قراردادهای نفتی پاسخ این سؤالات را داده‌اند تا پشت صحنه فیلمی که لوران فابیوس خرداد ۹۴ و میانه مذاکرات بازی کرد و به «سنگ‌اندازی فرانسه» مشهور شد نیز آشکار شود: «لایه نفتی در دنیا، لایه بسیار قدرتمندی است و از آنجا که ما تجربه مشابهی در این زمینه در زمان قراردادهای بیع متقابل داشتیم، می‌دانستیم این لایه نفتی می‌تواند در پیشبرد مذاکرات هسته‌ای فعلی نیز موثر باشد». می‌توان به راحتی حدس زد توتال واسطه شده است تا جلوی «سنگ‌اندازی» نمایشی فابیوس را بگیرد و امروز افرادی در دولت یازدهم واسطه هستند تا میدان نفتی آزادگان را طی یک سند «محرمانه» به توتال واگذار کنند.<sup>(۴)</sup> ایشان البته در کنار این اعتراف مهم، در حال فشار آوردن به کشور نیز هستند تا سریعاً این قراردادها اجرایی شود و آمار داده‌اند که ماهانه ۴ میلیارد دلار ضرر تاخیر در اجرای این طرح‌هاست.

درباره این فاجعه‌ای که در حاشیه برجام رخ داده، ۲ مساله مهم مرتبط با امنیت ملی و سیاست‌های اقتصادی کشور وجود دارد.

## جدیدترین اظهارنظر ضدایرانی عادل الجبیر، وزیر خارجه عربستان سعودی

# نمی‌توانیم ایران را تحمل کنیم!

صفحه ۲



که جلوی انتشار فیش‌های نجومی در فضای مجازی را بگیرد یا امنیت شرق کشور را حفظ کند تا وزیر کشور آن را با غرور در کنفرانس خبری بگوید. نیروی انتظامی خوب در حوزه‌های امنیت اجتماعی و عفت عمومی نباید دخالت کند، بویژه در شرایط پس‌برجام و پس‌فیش‌گیت!

البته طنز ماجرا آنجاست که قرار است مسؤول سازماندهی و صدور مجوز و کلانظارت بر این امر، وزارت ارشاد دولت یازدهم باشد. مجموعه‌ای که خود از متهمان درجه اول ولنگاری فرهنگی در کشور است، وزیری که رهبری تلویحا در دیدار شعرا می‌گویند از فعالیت‌های وزارتش ناامید هستند و اخیراً در واکنش به اعتراض مراجع تقلید درباره یک فیلم مبتذل و هنجارشکن، گفته بود از چگونگی فیلم کذا خبر نداشته‌ام! حالا معلوم نیست جناب وزیر و زیرمجموعه ایشان از چگونگی محتوا و حواشی احتمالی ده‌ها و صدها کنسرت در سراسر کشور خبر دارند یا نه؟! البته از منظر دولت این مساله مهمی نیست و احیاناً اگر حواشی این قضیه بعداً مورد اعتراض برخی بزرگان قرار گرفت با «بیخسید خبر نداشتیم» می‌حل می‌شود، مساله مهم این است که بشود ماجرای ساخت تا فیش‌گیت و باقی ماجراها کمی در افکار عمومی کمرنگ شود.

## دولت و انتخاب مسیر دوم

■ محمدزیمزاده

مسیر دوم را انتخاب کرده است. اینکه دولت در ماجرای مجوز کنسرت‌ها صریحاً مصوبه می‌دهد و ناجا را از صدور مجوز منع می‌کند می‌تواند آغازگر یک سناریو باشد، سناریویی که البته مردم بهتر می‌دانند نه با هدف رونق دادن به کنسرت‌ها، بلکه با هدف منسوخ شدن مساله خالی بودن سفرهای مردم در حال انجام است. نیروی انتظامی از صدور مجوز منع می‌شود تا در صورت بروز برخی رفتارهای تند و غلط احتمالی در پی هنجارشکنی‌های مفروض، دولت یازدهم به عنوان ملکه و فرشته آزادی‌های اجتماعی ظهور کند و لایحه جامعه دربند ایرانی را نجات دهد، دولتی که برآیند کابینه‌اش امنیتی‌ترین کابینه جمهوری اسلامی است و دولتی که به خاطر درج چند علامت تعجب در یک نشریه دانشجویی خواهان برخورد امنیتی با دانشجویان می‌شود، قرار است فرشته آزادی باشد و نیروی انتظامی را از ورود به حوزه مسائل امنیت اخلاقی و عفت عمومی نبی کند، این هم از آن داستان‌های طنز تاریخ است! از منظر دولت، نیروی انتظامی خوب آن است

## نگاه امروز

نزدیک به دولت که این روزها سخت مورد نوازش همقطاران خود هم قرار گرفته‌اند، برای رهایی از آثار اجتماعی بحران «فیش‌گیت» و نمایش واقعیت‌های دستاوردهای برجام به راهی جز همان تکنیک قدیمی یعنی تلاش برای «تغییر دستور کار افکار عمومی» نرسیده‌اند. قبل‌تر هم گفته شد تبعات نمایان شدن واقعیت برجام در بدنه اجتماعی دولت به نقطه مخاطره‌آمیزی رسیده‌است. پس از یک‌سال از توافق هسته‌ای اعتراضات صنفی و معیشتی مردم در سفر استانی دولت به کرمانشاه رنگ خطر جدی را برای دولت روحانی درباره پذیرش مردمی کارکردهای برجام به صدا درآورد. از سویی انتقادات علی لاریجانی، متحد راهبردی حسن روحانی به اوضاع پس‌برجام نشان می‌دهد حتی در سطح نخبگان سیاسی هم وضعیت دولت در این حوزه مناسب نیست. از سوی دیگر واکنش منفعلانه دولت درباره فیش‌های حقوقی چند صد میلیونی و دریافتی نزدیک به ۳۶۰۰ میلیارد تومانی ۲-۳ هزار مدیر دولتی در بدنه دولت روحانی و وجود اقوالی مبنی بر نقش نزدیکان رئیس دولت در انتصاب این مدیران، این سوال را برای توده‌های مردمی به وجود آورده

اعضای شورای شهر نسبت به سخنان کنایه آمیز رئیس جمهور در اجلاس جهانی شهرداران واکنش نشان دادند

## خودزنی مقابل میهمانان خارجی



صفحه ۴

نامه احمد توکلی به روحانی

## مدیران حرامخوار را به دادگاه بفرستید

صفحه ۱۶

نماینده مردم زابل در مجلس:

## مشکل گردوغبار دغدغه‌مدیران نیست

صفحه ۴

ترکیه با رویای بیوستن به اتحادیه اروپایی وداع می‌کند

## کودتای غیر نظامی اردوغان

صفحه ۱۵

## مدیرانی که به دنبال حق‌شان هستند!

■ سعید حاجی‌پور

«آنها به اندازه کافی برای ورشکست شدن بزرگ بودند». این جمله، عبارتی آشنا برای آمریکایی‌ها در سال ۲۰۰۸ است؛ آنگاه که با ترکیدن حباب مسکن در ایالات متحده، موسسات مالی وال‌استریت به ورطه نابودی کشیده شدند و طبق آمار منتشره ثروت خانوارهای آمریکایی در این سال به شکل یک سقوط آزاد افت کرد، بی‌خانمانی و بیکاری زیاد و هزینه‌های زندگی به نسبت درآمد سرانه کم‌رشدکن شد. اکتبر ۲۰۰۸، رئیس‌جمهور ایالات متحده از کنگره می‌خواهد ۷۰۰ میلیارد دلار برای نجات شرکت‌های مالی بزرگ کشور در نظر بگیرد. بسیاری پرداختن این کمک از محل مالیات مردم به موسسات وال‌استریت دور از انصاف می‌دانستند و معتقد بودند این موسسات که در سال‌های گذشته سودهای هنگفتی را به جیب زده‌اند نباید در این شرایط ناسامان صورت‌حساب کارکنان خود را از جیب مردم بپردازند اما ظاهراً هیچ جایگزینی وجود نداشت. همه می‌دانستند آنها به اندازه کافی برای ورشکست شدن بزرگ بودند و این استدلال به اندازه کافی موجه بود که کنگره این پیشنهاد را به تصویب برساند. پس از تصویب این طرح و کمک به شرکت‌ها و موسسات، گزارشات خبری حکایت از این داشت که بعضی شرکت‌ها در این وضعیت ناسامان اقتصادی و به هزینه عمومی، میلیون‌ها دلار به مدیران اجرایی‌شان پاداش داده‌اند. اخبار مرتبط با پاداش‌ها، اعتراضات عمومی را در پی داشت. بررسی‌های دقیق‌تر نشان داد در سال ۲۰۰۸، این شرکت‌ها مبلغ ۱۶ میلیارد دلار از محل کمک‌های دولتی به مدیران خود پاداش داده‌اند. در نهایت برای کاهش خشم عمومی، مجلس نمایندگان به منظور بازگرداندن پرداخت‌ها با تصویب یک لایحه، مالیاتی ۹۰ درصدی را بر پاداش‌های پرداخت شده به کارکنان کمپانی‌هایی تحمیل کرد که وجوه پایدار بسته نجات را دریافت کرده بودند.

افکار عمومی منتظر یک پاسخ از سوی مدیران این موسسات به سر می‌برد و پاسخ صریح و روشن بوده مدیران مستحق دریافت این کمک‌ها بودند. مدیرانی که در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ بیش از ۲ برابر ۲۰۰۸ پاداش گرفته بودند یقیناً استحقاق این مقدار را داشتند و این امری عادلی و طبیعی بود.

www.vatanemrooz.ir

دریافت پیام‌های شما در شبکه‌های اجتماعی



۰۹۲۰۳۰۳۳۹۳۰

پیامک خوانندگان

۱۰۰۰۲۳۳۱

سلام وطن

۶۶۴۱۳۹۴۲

به خانواده بزرگ‌تریم

اجازه ندهیم رسانه‌ها ما را از هم دور کنند.

